

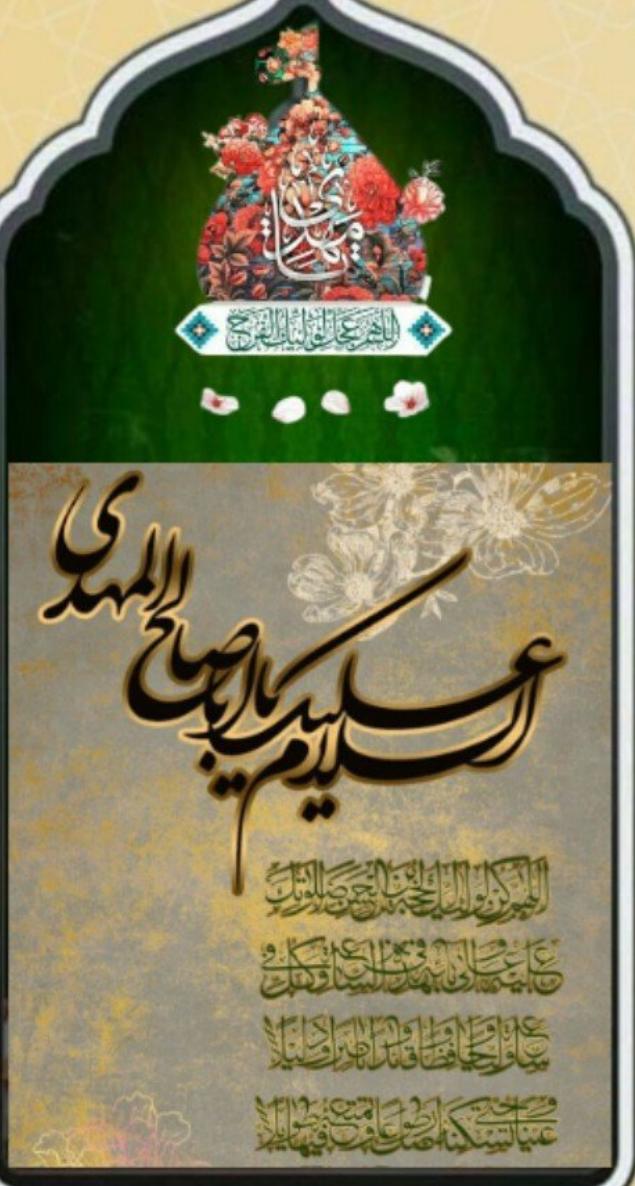
-هوالعلم-

عنوان:

پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسلم  
برای هدایت خلق نزدیک به نابودی بود



دکترو حیدر باقری پور کاشانی



@SERATEHAGH1



سوره‌ی مبارکه‌ی کهف، آیه‌ی ششم:  
﴿فَلَعْلَكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ  
يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾

یک خاطره‌ای دارم یادم است که در شهر فاماگوستا یک جلسه‌ی بزرگی بود

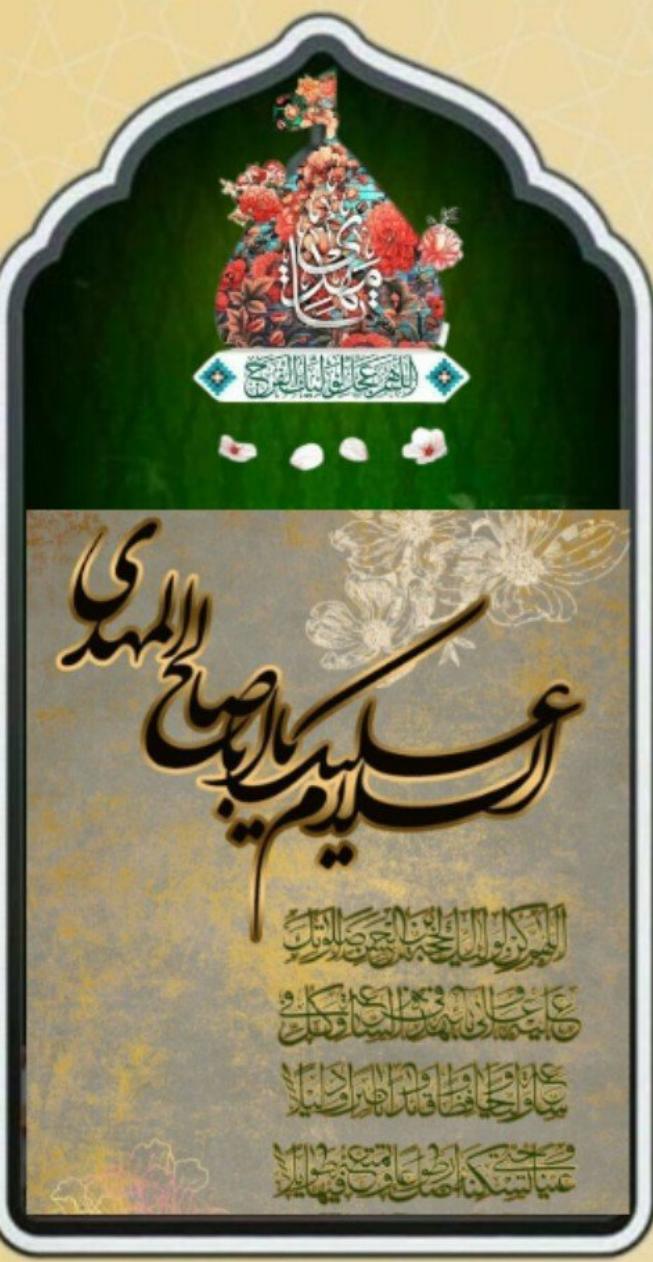
روز ولادت نبی اکرم

صلی الله علیه وآلہ وسلم. مفتی اعظم فاموگوستا یک آقایی از اهل تسنن بود و از جمعی دعوت کرده بودند که به نوعی وحدت و دوستی بین شیعه و سنی باشد.

در آن جا من به عنوان سخنران بودم و شروع کردم آیاتی را در وصف نبی اکرم مطرح کردم.

خدا می‌داند این مفتی به وجود آمده بود! و بعد مجلس هم این قدر از ما تمجید کرد، گفت آقا چقدر جالب که این‌ها را شما به صورت موضوعی کنار همدیگر قرار دادی!

از این زاویه نگاه نکرده بود.



از زاویه‌ی خاصی این آیات را کنار هم چیده بودم، یک سیکل بحثی نسبت به نبی اکرم مطرح کردم و روایاتی هم که ارائه می‌دادم، روایاتی بود که مورد توافق شیعه و سنی است.

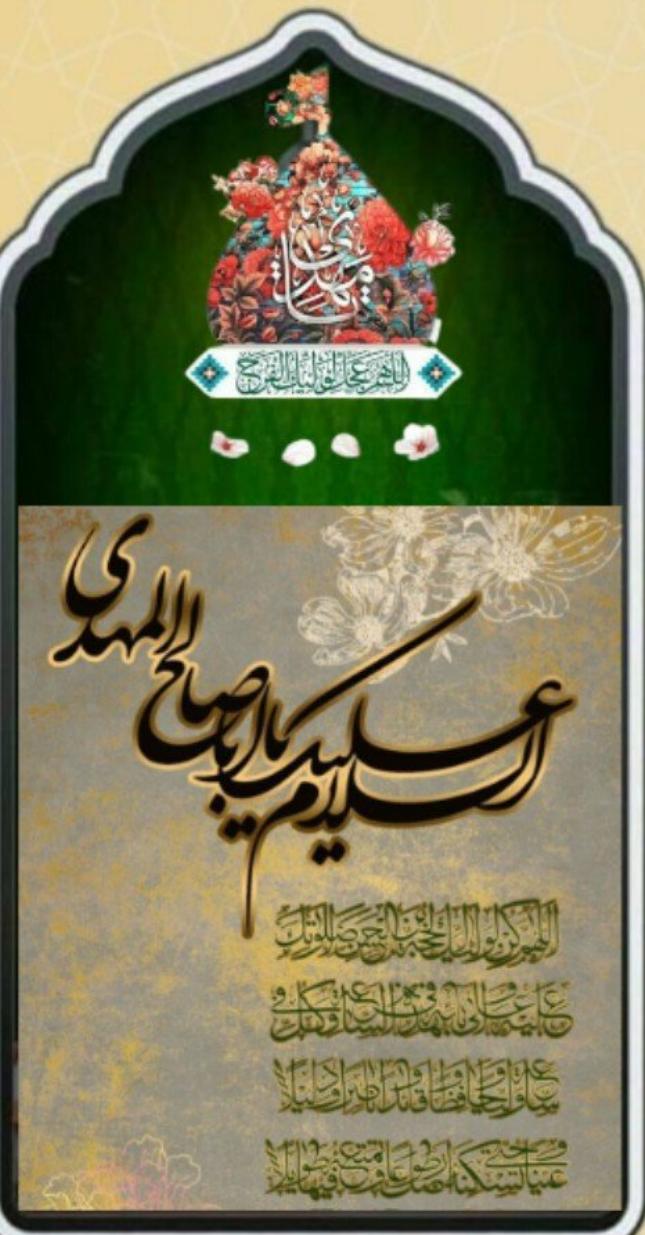
از آیاتی که مطرح کردم این آیه بود:  
 {فَلَعَلَكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا} .  
 {فَلَعَلَكَ بَاخِعٌ} .

{بَاخِعٌ}، یعنی هلاک، یعنی نابود؛ می‌گوید که تو داری خودت را نابود می‌کنی!  
 {نَفْسَكَ} .

پیامبر تو داری خودت را از بین می‌بری!

خدا می‌گوید!

خدا می‌گوید ای پیامبر تو داری خودت را از بین می‌بری!  
 ببینید خدا مبالغه نمی‌کند!



یک وقت مثلاً شما پرکار هستی، یک نفر می‌گوید شما خودت را داری از بین می‌بری؛ ولی حالاً یک کم فقط به شما فشار آمده!

نه! می‌گوید واقعاً ای پیامبر تو داری خودت را نابود می‌کنی!

یعنی تمام وجود و بطن و کتم خودت را فدای این خلق کردی!

{فَلَعْلَكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ}.

تو داری خودت را از بین می‌بری برای کی؟! برای این‌ها یی که مؤمن نیستند! چقدر داری تلاش می‌کنی این‌ها را به سمت خدا بکشی با خدا آشتبه!

{إِنَّ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسْفًا}.

گویی می‌خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند!

یعنی تو داری خودت را از بین می‌بری مدام تلاش می‌کنی از جهات مختلف که بتوانی این‌ها را هدایت کنی

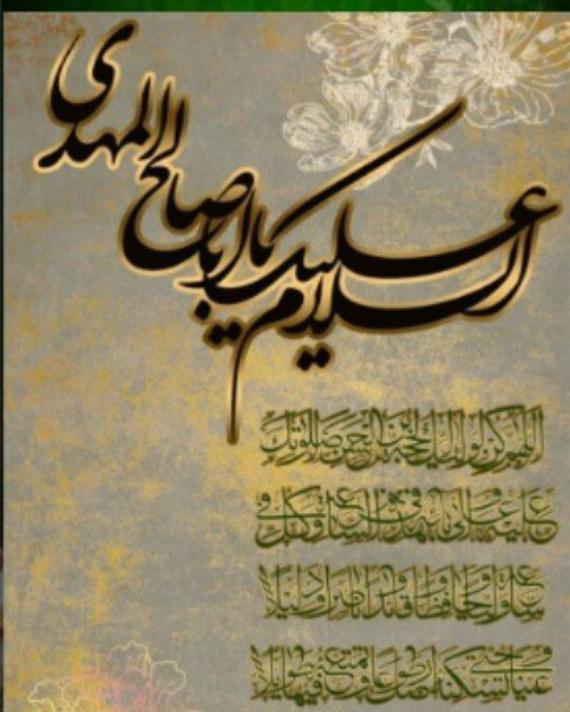


خدا می‌گوید تو داری خودت را از بین  
می‌بری! اصلاً توقع در این نیست!  
نبی اکرم با چه جهالی برخورد داشتند که  
فرمودند هیچ پیامبری را به مانند من  
این قدر اذیت نکردند!

هیچ پیامبری!  
بیشترین اینها در ارتباط با نبی اکرم بود!  
ببینید من یک نکته را بگویم  
(فَلَعْلَكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ).  
نبی اکرم حرکت می‌کند به یک روستایی  
می‌رود؛ برای چه؟

برای اینکه پیام خدا را برساند و این‌ها را  
هدایت کند. بزرگان روستا و کدخدا و  
اطرافیان می‌فهمند، می‌گویند بچه‌ها را  
جمع کنید این فرد که وارد شد با سنگ  
بزنید!

پیامبر وارد می‌شوند و پیام وحی را  
می‌خواهند بگویند، یک وقت بچه‌ها این  
لباس‌های عربی‌شان را پر از سنگ  
کردند، پیامبر را سنگ‌باران می‌کنند!



پیامبر حرکت می‌کند از پشت به پیامبر  
سنگ می‌زنند! از جلو به پیامبر سنگ  
می‌زنند تا آن جایی که بدن پیامبر رخمنی  
می‌شود! خوب دقت بکنید! می‌خواه  
بگوییم: {فَلَعْلَكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ} .  
یعنی چه!

کار به اینجا می‌رسد این‌ها هدایت  
نمی‌شوند! پیامبر تلاش می‌کند پیامبر  
هم زخمنی می‌کند اما هدایت نمی‌شوند!  
پیامبر به یک پیرمرد بی‌سوادی می‌رسد.  
پیام خدا را می‌گوید و این مسلمان  
می‌شود؛ زمان کوتاهی نمی‌گذرد و این  
پیرمرد از دنیا می‌رود و پیامبر  
برمی‌گردد.

ببینید پیامبری که به خاطر یک پیرمرد  
می‌آید، پیامبر علم غیب دارد می‌داند!  
می‌خواهد و می‌داند چه خبر هست!  
به خاطر یک پیرمرد از آن شهر حرکت  
می‌کند می‌آید، سنگ می‌خورد! زخمنی  
می‌شود! که یک پیرمرد بی‌سوادی را  
بخواهد با خدا آشتبه بدهد!



اللهم إجعلنا ملائكة في قبورنا

• • •

الْمَهْرَبُ الْمُكَبِّرُ  
عَسْكِيرُ الْمُرْسَلِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ يَأْتِيَنِي  
مَا أَحْمَدُ وَمَا أَخْفِيَ  
مَا أَنْتَ مَعْلُومٌ بِهِ  
عَذَابُكَ أَعْظَمُ مِمَّا أَنْتَ مَعْلُومٌ بِهِ

این خیلی مهم است!  
«فَلَعَلَكَ بَاخِعُ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ».  
عجب است!  
«إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسْفًا».  
«أَسْفًا» می دانید یعنی چه؟  
اسف، گاهی وقت‌ها می‌گویند حزن  
هست! نه! شدت حزن و اندوه!  
یعنی اوج اندوه و شدت، شدیدتر از آن  
حزنی که ما نگاه می‌کنیم اسف هست!

